

Violation of Grice's Cooperative Principles in Russian Poetry with Emphasis on Presupposition and Implicature

Maryam Moradi

Associate Professor, Department of Russian Language, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). Email:

m.moradi@atu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-6652-227X>

Abstract:

This study argues that the intentional violation of Grice's cooperative principles in Russian poetry functions as a distinct artistic strategy essential to poetic dialogue. Drawing on Grice's maxims, presupposition, and implicature, and also analyzing works by Pushkin, Akhmatova, and Mayakovsky, the study demonstrates that such violations do not cause communicative failure, but instead create rich implicatures and interpretive depth. The maxim of quantity is breached through brevity or redundancy, encouraging the reader to participate in meaning-making. The maxim of quality is violated via metaphor and counterfactuals, shifting the poetic world from reality to imagination. Disregard for the maxim of relation produces semantic discontinuities and unpredictability, while flouting the maxim of manner introduces ambiguity and polysemy, broadening interpretive scope. The article has been conducted using a descriptive-analytical method and the materials have been collected using a library method. The achievements of the article show that, these violations are not communicative flaws but strategic and aesthetic choices that distinguish poetic from ordinary language, highlighting poetry's artistic function.

Keywords: violation of Grice's cooperative principles, presupposition, implicature, Russian poetry, dialogic context.

۱. نقض اصول همیاری گرایس در شعر روسی با تأکید بر پیش‌انگاشت و تضمن

مریم مرادی، دانشیار گروه آموزشی زبان روسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

پست الکترونیک: m.moradi@atu.ac.ir

کد ارکید: <https://orcid.org/0000-0002-6652-227X>

۲. چکیده:

هدف از این پژوهش بررسی کارکردهای زبانی-معنایی نقض اصول همیاری گرایس در شعر روسی است. چهارچوب نظری تحقیق بر مبنای نظریه همیاری گرایس، مفاهیم پیش‌انگاشت و تضمن استوار است. داده‌های پژوهش از اشعار برجسته شاعران روس همچون پوشکین، آخمتووا و مایاکوفسکی گردآوری شده است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که در بستر گفتگوی شاعرانه، نقض هر یک از اصول گرایس نه به شکست ارتباط بلکه به خلق معانی ضمنی لایه‌های تازه‌ی تفسیر منجر می‌شود. نقض اصل کمیت اغلب در قالب ایجاز یا اطناب پدیدار می‌شود و مخاطب را به مشارکت فعال در تکمیل معنا فرا می‌خواند. نقض اصل کیفیت در قالب استعاره و گزاره‌های خلاف واقع، جهان شعری را از سطح واقعیات به سطح تخیل ارتقا می‌دهد. نقض اصل ارتباط از طریق گسست معنایی، افق‌های پیش‌بینی‌ناپذیر در متن می‌گشاید و نقض اصل روش نیز با ابهام و چندمعنایی‌سازی، فضاهای تفسیری گوناگونی ایجاد می‌کند. روش مقاله توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری مطالب نیز کتابخانه‌ای است. دستاوردهای مقاله نشان می‌دهد، نقض اصول همیاری گرایس در شعر روسی راهبردی زیباشناختی و زیبایی‌شناختی است که به واسطه آن شعر از مکالمات روزمره متمایز می‌گردد و کارکرد هنری زبان در بالاترین سطح خود آشکار می‌گردد.

۳. کلمات کلیدی: نقض اصول همیاری گرایس، پیش‌انگاشت، تضمن، شعر روسی، بستر گفتگو

۴. مقدمه:

در یک مکالمه موفق چنانچه ارتباط مؤثر و قابل فهم میان طرفین برقرار شود، هدف اصلی کاربرد زبان یعنی برقراری ارتباط، تحقق یافته است. در زبان اصطلاحاتی وجود دارد که فراتر از کاربرد واژگان است و در سطح گروه‌واژه، جمله و به کمک ابزارهای نحوی پیاده می‌شود. در کاربردشناسی زبان در مکالمات، بیشتر می‌توان به اهمیت مطالعه‌ی معنی نهفته جملات پی برد. چنانچه پیام گوینده و معنایی مورد نظر وی، به طور موفقیت‌آمیز به مخاطب منتقل گردد و مخاطب پیام را بفهمد برقراری ارتباط میسر شده است. مخاطب نیز دست به استنباط‌هایی از کلام گوینده می‌زند که در معنای نهایی پیام تأثیرگذار است. در مقاله پیش‌رو به بررسی اصل همیاری گرایس در کلام گوینده می‌پردازیم که دارای چهار قاعده کلی است و چنانچه در مشارکت مکالمه‌ای رعایت شوند، هدف گوینده تأمین می‌گردد. اصل همیاری به این صورت بیان می‌شود: «در هر مرحله‌ای از مکالمه، چنان شرکت کنید که هدف مورد توافق تأمین شود یا با سیر تبادل کلامی شما همسو باشد».

۵. پیشینه‌ی تحقیق

در مورد اصل همیاری گرایس، نقض آن و بررسی پیش‌انگاشت پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است: ی. و. یوریوا (2017) به بررسی "پیش‌انگاشت به عنوان ابزاری تأثیرگذار بر مقصد پیام بازرگانی" پرداخته است. وی به تجزیه و تحلیل عملکرد انواع پیش

انگاشت‌ها به عنوان نشانگر معانی ضمنی در شعارهای تبلیغاتی اجتماعی، بررسی انواع پیش‌انگاشت‌های وجودی، گزاره‌ای و ارزشی در شعارهای اجتماعی، و همچنین تحلیل واکنش‌های احتمالی مخاطبان نسبت به این شعارها پرداخته است (Юрьева, 2017, C. 101). حسین رحمانی با نامیدن پیش‌انگاشت به عنوان پیش‌انگاری، در *ارثیه ایرانی* نشان می‌دهد که طبقه و جنسیت در کاربرد آن نقش دارند: فرادستان از پیش‌انگاری‌های ساختاری برای استنطاق و فرودستان از نوع واژگانی برای شخصیت‌پردازی بهره می‌برند؛ مردان نیز بیش از زنان از آن استفاده می‌کنند (رحمانی، ۱۴۰۱، ص. 9). صدیقه سادات مقداری و زهرا ایزددوست پیامدهای نقض اصول گرایس در ارتباطات فارسی‌زبانان را: دروغ گفتن، کنایه زدن، تمسخر، استعاره، اغراق، پنهانکاری، تأکید بر موضوع بحث، توهین، تمایل نداشتن به ادامه بحث، ابهام، تناقض، غافلگیر کردن مخاطب، تغییر موضوع بحث و شوخی می‌دانند (مقداری و ایزد دوست، ۱۳۹۶، ص. ۱۹۱). ملیحه پیران کاشانی و عبدالرضا مدرس‌زاده با بررسی گفتگو در شعر فارسی از منظر اصول چهارگانه گرایس، به این نتیجه رسیده‌اند که: به درازا کشیدن گفتگویی منظوم نه تنها از زیبایی اثر نمی‌کاهد بلکه هنر شاعر را بیشتر به تصویر می‌کشد؛ نقض اصل کیفیت در شعر تجربه درونی شاعر و شهود او را می‌رساند (پیران کاشانی و مدرس‌زاده، ۱۴۰۳، صص. ۲۵۰-۲۴۹). مریم رشیدی عدول از اصول همیاری گرایس را در غزلی از حافظ بررسی نموده (رشیدی، ۱۴۰۰، ص. ۸۱). تاتیانا بوتس، ژانر تخریب ارتباطی را به عنوان یکی از روش‌های پاسخ به انتقادات در پاسخ‌های روسای جمهور روسیه و آمریکا، ولادیمیر پوتین و باراک اوباما، بررسی کرده است و معتقد است: تخریب ارتباطی به عنوان نوعی ارتباط غیرمستقیم، بازتابنده گفتمان خاص ریاست‌جمهوری است و در حل مشکلات عملی ارتباطات ریاست‌جمهوری، در راستای مبارزه برای قدرت، باعث می‌شود به آن به عنوان یک ژانر مجادله‌ای نگاه کنیم (Ботц, 2021, p. 57). علی محمد محمدی و مرتضی عبدلی (۱۴۰۲) با تکیه بر مقایسه‌ی «مدیر مدرسه» و «پیرمرد و دریا» بیان می‌کنند که تحلیل ادبیات در سطح گفتمان، مستلزم شناخت پیوستگی‌های زبانی، فرهنگی و فرازبانی است. از همین منظر، متن ادبی به مثابه رخداد زبانی فعال، محمل تحقق روابط همبوند و ضمنی مناسب است. پژوهش علوی و مهاجر (۱۴۰۴) با تحلیل زندان سروده‌های ناصر خسرو و ویون، فراتر از تاریخ‌گرایی، به الگوهای گفتمانی مشترک می‌پردازد. با تکیه بر منگنو، تعامل «گفته‌پردازی» و «بافتار زبانی» معنا می‌آفریند و تجربه‌ی زندان را عرصه‌ی مقاومت و تضمین زبانی می‌نمایاند.

۶. روش‌شناسی و چهارچوب نظری تحقیق:

روش مقاله توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای است. پرسش‌های اصلی پژوهش بدین شکل مطرح می‌شوند که ۱. نقض آگاهانه یا ناآگاهانه هر یک از اصول همیاری گرایس (کمیت، کیفیت، ارتباط و روش) در اشعار روسی چه نوع تلویحات و پیش‌انگاشت‌هایی را ایجاد می‌کند؟ ۲. این تلویحات از چه راه‌هایی موجب بازتولید معنا و برجسته‌سازی تجربه‌های شاعرانه می‌گردند؟ بر این مبنا، فرضیه‌ی تحقیق بر آن استوار است که نقض آگاهانه یا ناآگاهانه اصول گرایس نه به فروپاشی ارتباط، بلکه به خلق تلویحات، پیش‌انگاشت‌های تازه و عمق معنایی در متن شعری می‌انجامد. پژوهش نشان می‌دهد که شاعران روس، از طریق تخطی از قواعد کمیت، کیفیت، ارتباط و شیوه، زبان روزمره را به ابزاری زیبایی‌شناختی بدل می‌کنند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که این نقض‌ها به خلق چندمعنایی، افزایش بار عاطفی و بازنمایی لایه‌های ایدئولوژیک و هویتی در شعر روسی می‌انجامد و نقض اصول گرایس به عنوان ابزاری زبان‌شناختی-کاربردی، به منزله‌ی راهبردی بلاغی و هنری در تبیین سازوکارهای زیبایی‌شناختی زبان شعر عمل می‌کند.

چهارچوب نظری پژوهش بر مبنای نظریه همیاری گرایس (۱۹۷۵) و مفاهیم کلیدی «پیش‌انگاشت» و «تضمن» در کاربردشناسی زبان است. اصل همیاری گرایس، با چهار قاعده‌ی کیفیت، کمیت، ربط و شیوه، مبنای مکالمه‌ی مؤثر و قابل فهم در تعاملات زبانی است. با این حال، نقض یا عدول آگاهانه از این اصول، نه تنها به شکست ارتباطی نمی‌انجامد، بلکه در بسیاری از متون ادبی به‌ویژه در شعر به آفرینش معانی ضمنی و لایه‌های تفسیری نو ختم می‌شود. بر این اساس، تحلیل اشعار روسی از دیدگاه نقض اصول همیاری

گرایس، نشان می‌دهد که زبان شعر با بهره‌گیری از پیش‌انگاشت‌ها و تضمن‌ها، از الگوی مکالمه‌ی روزمره فراتر رفته و به عرصه‌ای برای بیان تجربه‌های ذهنی، زیبایی‌شناختی و حتی ایدئولوژیک بدل می‌شود.

۷. یافته‌ها و تحلیل و تجزیه:

اصل همیاری گرایس و پیش‌انگاشت

اولین بار فریدریش لودویگ فرگه، فیلسوف برجسته و از پایه‌گذاران معناشناسی منطقی در سال 1892 اصطلاح پیش‌انگاشت را مطرح نمود و میان محتوا و معنا تمایز گذاشت. او «مثلث معنایی» خود را با سه عامل: «نشانه، محتوا و معنا» معرفی کرد و معنا را حوزه شیئی مرتبط با اسم، و محتوا را جنبه خاص آن دانست. پاولنکو تشریح می‌کند که فرگه: «مفهوم امروزی پیش‌انگاشت را، به عنوان محتوای عینی اندیشه» یعنی اساس معنا در ترکیب با اهداف ذهنی تأیید کلام معرفی کرده‌است (Павленко, 2018, C. 60). مفاهیم ذهنی، همان بیان رابطه‌ی گوینده نسبت به واقعیات پیرامون اوست که با معانی «مودال» همخوانی دارد؛ به عبارتی در مفاهیم ذهنی، گوینده تمایل دارد وقایع پیرامون خود را به صورت مثبت یا منفی، واقعیت یا کذب ارزیابی، یا احساسات خود را نسبت به آن وقایع ابراز کند. جرج یول در تعریف پیش‌فرض یا پیش‌انگاشت می‌گوید:

«پیامهای زبانی گوینده‌ها بر این فرض مبتنی است که شنوندگان آنها چیزهایی را از قبل می‌دانند. <...> چیزی را که گوینده فرض می‌کند واقعیت دارد یا شنونده آن را می‌داند، پیش‌فرض نامیده می‌شود. اگر کسی به شما بگوید "برادران بیرون منتظر شماست"، یک پیش‌فرض مسلم وجود دارد و آن این است که شما یک برادر دارید؛ اگر از شما سؤال شود "کی سیگار را ترک کرده‌اید؟"، گوینده با پرسیدن این سؤال دو پیش‌فرض را مسلم دانسته است: یکی اینکه شما سابقاً سیگار می‌کشیده اید و دیگر اینکه شما دیگر سیگار نمی‌کشید» (یول، 1388، ص. 148).

انواع پیش‌انگاشت از نظر جرج یول شامل انواع: 1- وجودی، 2- واقعیت پذیر، 3- واژگانی، 4- ساختاری، 5- واقعیت‌ناپذیر و 6- خلاف واقع» می‌شوند (یول، 1387، صص. 46-42). در پیش‌انگاشت وجودی، فرض بر آن است که شیء یا شخصی که با عبارت اسمی یا ساختارهای خاص زبان شناسایی شده، دارای موجودیت است. در زبان روسی، این پیش‌انگاشت در قالب ساختار «مالکیت» و با افعالی مانند «обладать чем-то» (داشتن چیزی)، «принадлежать кому-то» (متعلق بودن به کسی)، و عبارت «быть у кого-то» (بودن همراه با حرف اضافه‌ی «у» در حالت اضافی) بیان می‌شود. همچنین ضمائر ملکی چون «мой, моя, моё, мои» و صفات ملکی با پسوندهای «-ий», «-ск», «-ов» مانند «волчий», «туристский», «отцов», «мамин» موجودیت‌داری را نشان می‌دهند. در جملاتی نظیر «Этот дом принадлежит Маше», «У Маши есть дом», یا «Маша обладает домом»، وجود «خانه» به عنوان دارایی ماشا پیش‌فرض گرفته می‌شود.

پیش‌انگاشت واقعیت‌پذیر به حالتی اشاره دارد که در آن افعال ادراکی، احساسی یا شناختی صحت گزاره‌ای را که مفروض گرفته شده، تأیید می‌کنند. افعالی چون «знать» (دانستن)، «вспоминать» (به یاد آوردن)، «осуждать» (قضاوت کردن)، و «быть рад» (خوشحال بودن) بیانگر این نوع‌اند. در جمله‌ی «Мы знали, что Виктор придёт» («ما می‌دانستیم که ویکتور خواهد آمد»)، آمدن ویکتور حقیقتی فرض‌شده است که دانسته بودنش، آن را تأیید می‌کند.

پیش‌انگاشت واژگانی به معنایی اشاره دارد که در آن واژه، مفهومی ناپیدا بیان‌شده. برای نمونه، در جمله‌های «از عهده‌ی کاری برآمد» و «از عهده برنیامد»، معنای صریح به موفقیت یا شکست در انجام کار مربوط است، اما در هر دو حالت، پیش‌فرض ناپیدا آن است که «شخص برای انجام آن کار کوشیده است» (یول، 1387، ص. 44). پاولنکو دو نوع پیش‌انگاشت واژگانی را برمی‌شمارد: کلی که

مفهوم آن ثابت است و با گنجینه‌ی واژگان زبان پیوند دارد، و جزئی که دگرگون‌پذیر و تابع معنای واژه در بافت گفتار است (Павленко, 2018, С. 93).

در پیش‌انگاشت ساختاری، صحت بخشی از جمله به‌طور پیش‌فرض پذیرفته می‌شود. در پرسش‌هایی مانند «او چه موقع رفت؟» یا «دوچرخه را کجا خریدی؟»، وقوع عمل «رفتن» و «خریدن» مفروض است. گوینده با این ساختارها دانسته‌ای را از پیش مسلم می‌گیرد و شنونده آن را امری قطعی تلقی می‌کند (یول، ۱۳۸۷، صص. ۴۵-۴۴).

کوروش صفوی سه نوع پیش‌انگاری را مطرح می‌کند: **وجودی، وقوعی و مقوله‌ای**. در پیش‌انگاری **وجودی**، وجود امری در جمله‌ی پایه مفروض است: «عموی مهرداد آمد» → «مهرداد عمو دارد». در **وقوعی** (همان واقعیت‌پذیر)، جمله‌ی پیش‌انگاشته در جمله‌ی اصلی مستتر است: «نرگس فراموش کرد بگوید که فردا به شیراز می‌رود» → «نرگس فردا به شیراز می‌رود». در **مقوله‌ای**، دامنه‌ی تحقق گزاره بررسی می‌شود: «خیلی از مهمان‌ها هنوز نیامده‌اند» → «بعضی از مهمان‌ها آمده‌اند» (صفوی، ۱۴۰۳: ۱۹۲-۱۹۰). اصل همیاری گرایس با پیش‌انگاشت رابطه‌ای بنیادین دارد، زیرا پیش‌انگاشت دانشی است که گوینده فرض می‌کند شنونده پیشاپیش دارد و بر پایه‌ی آن درک متقابل شکل می‌گیرد. گرایس (1975) این اصل را با فرض همیاری میان متکلمان مطرح کرد و آن را شرط اصلی تبادل مؤثر دانست. بر اساس تعریف او، مشارکت در گفت‌وگو باید در جهت تحقق هدف مشترک باشد. وی چهار قاعده‌ی پشتیبان برای این اصل برشمرد؛ **کمیت**: ارائه‌ی مقدار کافی اطلاعات، نه بیش و نه کم، **کیفیت**: گفتن مطالب درست و مستند، **رابطه**: ارتباط داشتن با موضوع گفت‌وگو و **شیوه**: وضوح، اختصار و نظم در بیان (یول، ۱۳۸۸: ۱۶۲). این قواعد رفتار زبانی را سامان داده و با پیش‌انگاشت پیوند دارند، زیرا هر نقض آگاهانه‌ی آن‌ها دلالت ضمنی تازه‌ای می‌سازد و گوینده از دانش مفروض مشترک برای ایجاد معناهای ضمنی بهره می‌گیرد.

اردشیر زابلی و دیگران اصل همیاری گرایس را اصل همکاری می‌نامند و به روش ایجاد معانی ضمنی در صورت تخطی از اصول همکاری گرایس اشاره می‌نمایند و معتقدند که بی‌اعتنایی به یکی از قواعد همکاری، شفافیت معنا را می‌کاهد (زابلی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۲).

این پژوهش به بررسی نقض اصول گرایس در اشعار روسی می‌پردازد؛ آثاری که گفت‌وگوی شاعر با خود یا دیگری را می‌نمایانند. برای تحلیل، رابطه‌ی تضمن، پیش‌انگاشت و اصل همیاری بررسی می‌شود. تضمن معنای ضمنی فراتر از گفته‌ی صریح است، در حالی‌که پیش‌انگاشت مفروضات پیشینی گوینده را نشان می‌دهد.

از نظر گرایس، گوینده بایستی پیام خود را با اتکا به دو مقوله کمی و کیفی مطرح کند. مقوله‌ی کمی خود شامل دو مسئله است:

1- به منظور تحقق هدف گفتگو، پیام نبایستی حاوی اطلاعات کمتر از انتظار باشد.

2- به منظور تحقق هدف گفتگو، پیام نبایستی حاوی اطلاعات فراتر از انتظار باشد.

در اصل همیاری گرایس، چهار مقوله‌ی کمیت، کیفیت، ارتباط و روش، شرط برقراری ارتباط مؤثرند. کیفیت بر صدق و مستند بودن گفتار تأکید دارد؛ کمیت بر اندازه‌ی کافی اطلاعات؛ ارتباط بر پرهیز از خروج از موضوع؛ و روش بر وضوح و پرهیز از ابهام دلالت می‌کند. نقض این اصول، به‌ویژه روش، موجب پیدایش معانی ضمنی و برداشت‌های چندگانه می‌شود. گوینده گاه پیام خود را صریح بیان نمی‌کند و مخاطب بر اساس تضمن یا استلزام، معنای پنهان را درک می‌کند. برای نمونه، در استعاره‌ی «تو نمکی!» معنای ظاهری «دارای نمک بودن» کنار گذاشته شده و معنا به سطح غیرصریح یعنی «بامزگی یا جذابیت رفتار» منتقل می‌شود. این‌گونه بیان استعاری، نمونه‌ای از نقض مقوله‌ی روش است که ابهام را به‌منزله‌ی ابزار بیانی به‌کار می‌گیرد.

۱. ناگورنی در رابطه با پیش‌انگاشت می‌گوید:

«صادق یا کاذب بودن پیش‌انگاشت، شرط راست یا دروغ بودن جمله است. پیش‌انگاشت دروغ، می‌تواند یا برداشت استعاره‌آمیز از جمله تعبیر شود یا به عنوان عاملی از غیردستوری یا غیرزبانشناختی بودن معنای جمله. در نتیجه، پیش‌انگاشت منطقی، همان شرایطی است که اجازه می‌دهد یک قضاوت را با ارزش صدق تعبیر کنیم یا با ارزش کذب» (Нагорный, 2008, C. 8).

از سویی دیگر نیز:

«ارتباط به عاقلانه‌ترین فرایند تبادل اطلاعات از نظر گرایش تعبیر می‌شود که از هرگونه فعالیت مشترک میان طرفین ارتباط نشأت می‌گیرد. شرکت‌کنندگان در ارتباط، هدفی مشترک دارند که در ارتباط کلامی همان تلاش در راستای به درازا کشاندن ارتباط است. دستور شرکت‌کنندگان در ارتباط بایستی مورد توافق هر دو و متقابل باشد. میان شرکت‌کنندگان یک ارتباط، توافقی عینی یا ضمنی در ادامه این ارتباط متقابل و در چهارچوب یک ژانر منتخب وجود دارد و تا زمانی که این توافق از سوی طرفین شکسته نشود [ادامه دارد] (Стаменкович, 2016, CC. 38-39).

در شعر، تضمن اغلب به شکل قرینه‌سازی گفتاری، ایجاز معنایی و جابه‌جایی روابط دلالتی رخ می‌دهد. وقتی شاعر از واژه‌ای استفاده می‌کند که به گزاره‌ای ناگفته ارجاع دارد، تضمن به عنوان ابزاری بلاغی عمل می‌کند که معانی را از سطح صریح به سطح تفسیری انتقال می‌دهد. بدین‌ترتیب، تضمن نه فقط واحدی منطقی بلکه کنشی هنری در شعر روسی است.

بررسی نقض اصول همیاری گرایش در اشعار روسی:

نقض اصول همیاری گرایش با اهداف گوناگونی صورت می‌پذیرد: ایجاد معانی ضمنی و استعاره‌آمیز، خلق مفاهیم طنزآلود به منظور تأثیربخشی بر شنوندگان به هنگام سخنرانی و ... بنابراین طبیعی است در شعر که بیشترین آرایه‌های ادبی در آن به کار می‌رود از اصول چهارگانه همیاری گرایش به کرات تخطی گردد. در این بخش به بررسی نقض چهار اصل همیاری گرایش در اشعار روسی می‌پردازیم.

Pre-print Version

ولادیمیر مایاکوفسکی در شعر «Во весь голос» می‌نویسد:

«Я себя смирял, становясь на горло собственной песне / слушайте, товарищи, потомки / Я шагну через лирические томики, / как живой с живыми говоря».

«من، خود را رام کردم، ایستاده بر گلوئی ترانه‌ام / گوش دهید، رفقا، نوادگان / من از میان مجلدات غنایی عبور خواهم کرد، / گویی به مانند زنده‌ای با زندگان سخن می‌گویم».

در اینجا معنا بیش از حد، موجز و فشرده شده و شاعر اطلاعاتی فراتر از ضرورت ارائه می‌دهد و اصل کمیت را نقض می‌کند: خودافشایی اغراق‌آمیزی که با استعاره‌ای تحت فشردن گلوئی ترانه بیان شده است؛ از سویی نیز اصل کیفیت و حقیقت که نشان می‌دهد شاعر در معنای واقعی کلام بر گلوئی ترانه‌اش نایستاده، نقض می‌شود؛ واژگان به‌عنوان ابزاری برای بیان استعاره‌آمیز به منظور افزایش نفوذ کلام به کار رفته است.

در جای دیگری از این شعر، مایاکوفسکی می‌گوید:

Мой стих дойдет / через хребты веков / и через головы / поэтов и правительств.

معنی: شعر من / از میان پشته‌های قرن‌ها / وز میان سران / شاعران و حکومت‌ها خواهد گذشت.

Мой стих / трудом / громаду лет прорвет / и явится / весомо, / грубо, / зримо, / как в наши дни / вошел водопровод, / сработанный / еще рабами Рима.

معنی: شعر من / با رنج / از میان انبوه سال‌ها خواهد گذشت و به چشم خواهد آمد: / سنگین، / مرئی، / همچون روزگار ما / که لوله‌های آبش را بردگان روم آوردند و ساختند.

شاعر در این ابیات، برای بیان ماندگاری شعرش، اغراقی تاریخی و مکانی می‌سازد. در سراسر شعر نیز با آوردن ترکیباتی منحصر به فرد همچون: مانند «рабами Рима» مخاطب را از پیام اصلی دور می‌کند تا به هدف زیبایی‌شناختی و شور انقلابی‌اش خدمت کند. نتیجه، نقض اصل کمیت برای ایجاد شکوه، عظمت و طنین ایدئولوژیک است، نه از روی ناتوانی در ارتباط بلکه برای افراط بلاغی و آگاهانه. مایاکوفسکی در ادامه شعر چنین می‌سراید:

Я / ухо / словом / не привык ласкать; ушку девическому / в завиточках волоска / с полупохабщины / не разалеться тронуту. / Парадом развернув / моих страниц войска, я прохожу / по строчечному фронту. / Стихи стоят / свинцово-тяжело, / готовые и к смерти и к бессмертной славе. / Поэмы замерли, / к жерлу прижав жерло / нацеленных / зияющих заглавий. / Оружия / любимейшего / род, / готовая / рвануться в гике, / застыла / кавалерия острот, / поднявши рифм / отточенные пики.

معنی: من، گوش را به واژه نوازش نکرده‌ام؛ / نه گوش دخترانه را، در پیچش موی، / نه با نیم‌طنزی سست و حسرتی لزج. / صف‌های واژه‌هایم را، / چون ارتشی از صفحه‌ها / به رژه درمی‌آورم. / از جبهه‌ی سطرها می‌گذرم، / و شعرهایم ایستاده‌اند، / سنگین و سربی، / آماده برای مرگ، / آماده برای جاودانگی. / سرودهایم خاموش شده‌اند، / به دهان زخم خود چسبیده، / در جرم خویش نشان‌رفته / با تیت‌هایی چون دهانه‌ی توپ. / زبان – محبوبترین سلاح من است. / سواری از تیغ‌ها، در انتظار هجوم،

در هیاهویی مجسم: / سواران طعنه، / با نیزه‌های صیقل‌خورده‌ی قافیه‌ها / بر فراز میدان، / و آماده‌ی انفجار. در این ابیات، زبان شاعرانه به مثابه ارتش و ارگان، قافیه‌ها به منزله نیزه‌ها، و شعر همچون رزمگاهی به تصویر کشیده شده است که در آن واژه‌ها جان می‌دهند تا زنده بمانند. عبارت‌هایی مانند: «Стихи стоят свинцово-тяжело, готовые и к смерти» و «и к бессмертной славе» به ظاهر غیرواقعی‌اند؛ چرا که شعر نمی‌تواند «بایستد»، «سنگین باشد» یا «آماده‌ی مرگ و جاودانگی شود، اما مایاکوفسکی عمداً با به کار بستن گزاره‌های خلاف واقع، به خلق حقیقتی شاعرانه و انقلاب دست می‌زند: شعر او همچون سرباز، آماده مرگ در میدان مبارزه اجتماعی است. کارکرد این ابیات نیز، نقض اصل کیفیت برای ایجاد تضمن ایدئولوژیک و استفاده از شعر به عنوان ابزار مبارزه با اسلحه‌ی زبان است. همچنین، جهش معنایی میان دو تصویری متضاد: تصویر لطیف گوش دخترانه «ушку девическому» در برابر تصویر سرباز و اسلحه، چنان سریع و بدون مقدمه در شعر از پی هم می‌آیند که پیوند منطقی میان دو بخش گسسته می‌شود. امری که در یک گفتار عادی، به منزله‌ی پرشی معنایی و نامربوط تلقی می‌شود. اما در شعر، به ابزاری برای تبدیل معنا: تضاد میان لطافت زنانه و خشونت انقلابی. نقض اصل ارتباط برای ایجاد تقابل زیبایی‌شناختی بیانگر درگیری میان حساسیت شاعر و وظیفه طبقاتی اوست.

نمونه‌ای دیگر از نقض اصل کمیت در شعر مایاکوفسکی با عنوان «Облако в штанах» «ابر شلوارپوش»:

«Вашу мысль, мечтающую на размягчённом мозгу как выжиревший лакей на засаленной кушетке, буду дразнить об окровавленный сердца лоскут».

«اندیشه‌ی غرق در رویای نرم‌تان را، که همچون نوکری فربه بر کاناپه‌ای چرب آرمیده است، / من / با پاره پاره‌های خونین قلبم ریشخند خواهم کرد!»

مایاکوفسکی به جای ساده‌نویسی و بیان این که 'اندیشه شما سطحی است و من از این سطحی بودن در رنجم!' با بیان اطلاعاتی اضافی تصویری طولانی و مبهم از گفته خود می‌سازد و اصل کمیت را نقض می‌کند. برخی زبان‌شناسان، از جمله شیشکین (2011: 180)، باور دارند بیان اطلاعات بیش از حد لزوماً نقض اصل کمیت نیست. او می‌گوید افزودن داده‌های غیرضروری ممکن است اتلاف وقت یا سبب تحریف معنا و ایجاد پرسش‌های بی‌ربط شود. همچنین، اطلاعات اضافی می‌تواند شنونده را به برداشت‌های نادرست یا تفسیر هدفی پنهان وادارد و موجب اختلال در ارتباط گردد (Шишкин, 2011, С. 180).

شاعر در جای دیگر از «ابر شلوار پوش» اینگونه می‌سراید:

Вы думаете — это солнце нежненько треплет по щечке кафе? / Это опять расстрелять
мятежников грядёт генерал Галифе!

معنی: می‌پندارید، این خورشید است که به آرامی گونه قهوه‌خانه را نوازش می‌کند؟ / نه! ژنرال گالیفه است که باری دیگر، برای
تیرباران شورشیان از راه می‌رسد!

گسست معنایی از تصویر لطیف «خورشید و قهوه‌خانه» به تصویر خشن و سیاسی «اعدام شورشیان» به طور عمد و برای از میان برداشتن آرامش و رواج طغیان زبانی است. شاعر میان عشق، انقلاب، بدن و شهر به‌طور مداوم جهش می‌کند، نوعی پیوند ایدئولوژیک و پنهان می‌سازد و از انقلاب به جای عشق، و از خشونت به جای لطافت بهره می‌برد.

در شعری ولادیمیر مایاکوفسکی با عنوان «گفتگویی با رفیق لنین» «Разговор с товарищем Лениным» شاعر با لنینی خیالی سخن می‌گوید:

«Владимир Ильич: - А трудно ли было?

- Трудно».

«ولادیمیر ایلیچ: - آیا دشوار بود؟

- دشوار بود.»

ولادیمیر ایلیچ لنین خیالی از شاعر سوالی می‌پرسد و شاعر در جمله‌ای کوتاه به لنین پاسخ می‌دهد. پاسخ به جهت بسیار کوتاه بودن و توضیح ناکافی، اصل کمیت را نقض کرده. لنین هم دیگر زنده نیست، گفتگو رنگ و بوی خیال‌انگیز گرفته و اصل کیفیت و صداقت زیر پا گذاشته شده. با این حال، شاعر از این ابزار خیال، در جهت بیان افکار ایدئولوژیک خود بهره می‌برد.
آنا آخمتووا:

گفتن چیزی خلاف واقع و با زبان استعاره‌آمیز نمونه‌ای از نقض اصل کیفیت به شمار می‌رود. در شعر زیر آنا آخمتووا می‌گوید:

«Сжала руки под тёмной вуалью ... / - Отчего ты сегодня бледна? / — Оттого, что

я терпкой печалью / Напоила его допьяна. / Как забуду? Он вышел, шатаясь, / Искривился

мучительно рот... / Я сбегала, перил не касаясь, / Я бежала за ним до ворот. / Задыхаясь,

я крикнула: «Шутка / Все, что было. Уйдешь, я умру». / Улыбнулся спокойно и жутко /

И сказал мне: «Не стой на ветру».

«دست‌هایم را زیر تور سیاه فشردم ... / - "چرا امروز رنگ‌پریده‌ای؟" / - "چون با اندوهی تلخ / او را مست کرده‌ام." / چطور می‌توانم فراموش کنم؟ / تلو تلو خوران خارج شد، / دهانش به طرز دردناکی پیچ خورده بود... / گریختم، بی‌اینکه نرده‌ها را لمس کنم / به دنبالش تا دروازه دویدم. / نفس‌زنان فریاد زدم: "همه‌اش شوخی بود! اگر بروی، می‌میرم." / آرام و مرموز لبخند زد و گفت: / "در معرض باد نیست."

شاعر عامدانه اصل کیفیت را زیر پا گذاشته است: دست فشردن، بیانگر عملی غیرواقعی و استعاره از مرگ و خفقان درونی است. شنونده چنانچه اصل کیفیت را در اصول همیاری گرایس جدی بگیرد به درک و نتیجه نادرستی از شعر دست می‌یابد. علاوه‌براین، چنانچه پیامی کنایه‌آمیز، غیرشفاف و مبهم باشد، گوینده آن، اصل روش را زیر پا گذاشته شده است. کسی را نمی‌توان با اندوه مست نمود و کلام، استعاره‌آمیز و با نقض بیان حقیقت که از ملزومات اصل کیفیت است بیان شده. پاسخ از مسیر منطقی نیز منحرف شده و زن به جای اینکه درباره علت اندوه خود چیزی بگوید پای دیگری را وسط می‌کشد! انحراف از مسیر منطقی به جای بیان علت رنگ‌پریدگی که نقض اصل ارتباط است. شیوه مست کردن که با اندوهی تلخ است، پاسخی غیرشفاف و متناقض با اصل شیوه است. در ادامه زن می‌گوید، شوخی کرده و مرد را دعوت به ماندن می‌کند؛ در حالی که انتظار دارد پاسخ: "می‌مانم و ترک نمی‌کنم!" را بشنود، اما پاسخی بی‌ارتباط با خواسته‌ی روحی‌اش دریافت می‌کند که در راستای یک مسئله‌ی جسمی و بی‌ارتباط با کلام و خواسته‌اش است. بنابراین بار دیگر اصل ارتباط نقض به دلیل دور شدن از موضوع اصلی توسط مرد، نقض می‌شود.

یولیا تکاچوا باور دارد، استفاده از ابزارهای بیانی - آرایه‌ها و مجازها در سخنرانی‌ها از راه‌های تأثیرگذاری بر نگرش و رفتار مردم است. وی از آرایه‌ها و ساختارهای نحوی موزونی نام می‌برد که از هنجارهای گفتار عادی و طبیعی منحرف می‌شوند. تکاچوا بسیاری از آرایه‌های ادبی از جمله مجاز، کنایه و استعاره را حاصل نقض اصل رابطه از اصول همیاری گریس می‌داند (Ткачева, 2021). نمونه‌ی زیر از نقض اصل روش در شعر روسی حکایت می‌کند، ابیاتی از آنا آخماتووا در شعر رکوئیم «Requiem» «عشای ربانی»:

«И я молюсь не о себе одной, а обо всех, кто там стоял со мной.».

«تنها برای خودم دعا نمی‌کنم، برای تمام کسانی دعا می‌کنم که آنجا با من ایستاده بودند».

آخماتووا شرح نمی‌دهد که مرادش از «آنجا» دقیقاً کجاست؟ زندان؟ توضیحات شعر در خصوص این مکان در ابهام رها می‌شود. همین ابهام، بر زیبایی و قدرت سیاسی شعر می‌افزاید. آخماتووا به جای روایت مستقیم، با زبانی شاعرانه از رنج جمعی و سرکوب سیاسی خود و هزاران زن روسی حکایت می‌کند که در صف‌های طولانی جلوی زندان لنین‌گراذ ایستاده بودند تا خبری از عزیزانشان بگیرند: فضای ترس عمومی که باعث شد او بخش بزرگی از اشعارش را سال‌ها تنها در محافل خصوصی یا به طور مخفیانه بخواند. داستان این رنج در کتاب اورلاندو فایجس نیز ثبت شده است (Figs, 2007, pp. 267-270).

در شعری از آنا آخماتووا در مکالمه‌ای میان زنان در صف زندان، یکی از آنها، از آخماتووا می‌پرسد:

«И тихо женщина спросила меня: А это вы можете описать?»

«زنی از من به آرامی پرسید: آیا می‌توانید این را توصیف کنید؟»

آخماتووا نیز در پاسخ اینگونه می‌سراید:

«И я сказала: - Могу.».

«و من گفتم: - می‌توانم.»

زن انتظار شرح یا توضیح بیشتری دارد. اصل کمیت نقض شده است. همچنین پیام مبهم است و شاعر نمی‌گوید که چه چیزی را توصیف خواهد کرد و چگونه؟ این ایجاز در فضای شعر و در بستر گفتگو، به لحاظ عاطفی تأثیرگذار و بیانگر احساس همدردی است.

پوشکین:

در اصل کیفیت، گوینده باید راست بگوید و از گفتن چیزی که خود باور نمی‌کند، دوری نماید. پوشکین در شعر «پیامبر»، این اصل را نقض می‌کند:

Духовной жаждою томим, / В пустыне мрачной я влачился, — / И шестикрылый серафим
На перепутье мне явился. / Перстами легкими как сон / Моих зениц коснулся он. /
Отверзлись вещие зеницы, / Как у испуганной орлицы. / Моих ушей коснулся он, / И их
наполнил шум и звон: / И внял я неба содроганье, / И горний ангелов полет, / И гад морских
подводный ход, / И дольней лозы прозябанье. / И он к устам моим приник, / И вырвал
грешный мой язык, / И празднословный и лукавый, / И жало мудрыя змеи / В уста замершие
мои / Вложил десницею кровавой. / И он мне грудь рассек мечом, / И сердце трепетное
вынул, / И уголь, пылающий огнем, / Во грудь отверстую водвинул. / Как труп в пустыне я
лежал, / И Бога глас ко мне воззвал: / «Восстань, пророк, и виждь, и внемли, / Исполнись
волею Моей, / И, обходя моря и земли, / Глаголом жги сердца людей».

معنی: تشنه‌ی روح بودم، / در بیابانی تاریک و خاموش می‌خزیدم، / که ناگاه، سرافیمی شش‌بال، / بر سر دوراهی بر من فرود آمد. /
انگشتان سبکش، همچون خواب، / بر چشمانم لغزید؛ / دیدگان آگاهم گشوده شد، / بسان چشمان عقابی وحشت‌زده / بر گوش‌هایم دست
نهاد، / و آکنده‌شان کرد از هیاهو و زنگ، / شنیدم لرزش آسمان را، / پرواز فرشتگان بلندپرواز را، / راه خزندگی دریا بر زیر آب
را، / و رویش تاک‌ زمین پست را / نزدیک لبانم شد، / زبان گناه‌آلودم را برکنده، / زبان فریب‌کار و بی‌پروا گویم را / و تیش دانای مار
را، / در دهانم نهاد با دستی خون‌آلود. / و سینه‌ام را با شمشیری گشود، / دل لرزانم را برآورد، / و زغالی از آتش زنده، / در سینه‌ی
بازم نشاند. / چون مرده‌ای در بیابان افتادم، / که ندای خداوند در درونم برخاست: / برخیز، ای پیامبر! /
ببین و بشنو، / امر مرا برآور! / و چون دریاها و زمین را زیر پا گذاشتی، / با کلامت، دل‌ها را بسوزان!

در این شعر اطلاعات نه‌تنها فراتر از نیاز ارتباطی بلکه مملو از جزئیات نمادین است: در «И шестикрылый серафим»
«... На перепутье мне явился. / شاعر به‌جای بیان ساده‌ی «فرشته‌ای بر من ظاهر شد»، انباشتی از تصاویر همچون بال،
راه، لمس، و پدیده‌های صوتی و بصری را به کار می‌بندد و از اطناب و توصیف افراطی، برای القای لحظه‌ی روحانی وحی مدد
می‌جوید. نقض اصل کمیت در اینجا نقشی بلاغی دارد و خواننده را از دال‌های حسی به معناهای غیبی سوق می‌دهد. از سویی نیز،
کندن زبان و جایگزینی نیش مار، از نظر تجربی ناممکن است، نقض آگاهانه اصل صداقت و حقیقت توسط پوشکین به منظور ایجاد
تصویری شاعرانه برای بیان تجربه‌ای الهام‌آمیز که به منزله‌ی دروغی شاعرانه و در خدمت حقیقتی استعاری است: زبان گناه‌آلود انسان
به ابزار الهی پیشگویی بدل می‌شود و واقعیت فیزیکی جای خود را به واقعیت معنوی می‌دهد.

در اشعار روسی که در بستر گفتگو سروده شده‌اند نیز شاهد خلق ابیاتی هستیم که شاعر اصول همیاری گرایس را نقض کرده
است. گفتگوی عاشقانه میان تاتیانا و آنگین هنگامی که تاتیانا نامه خود را به او نوشته و پاسخ می‌گیرد، از این دست اشعار است:

Онегин: - Учись властвовать собою / Не всякий вас, как я, поймёт / К беде неопытность
ведёт!

آنگین: - یاد بگیرد خوددار باشید / هر کسی مثل من قادر نیست شما را بفهمد / بی تجربگی به فاجعه ختم می‌شود!

در شعر پوشکین، آنگین با نقض اصل ارتباط یعنی دور شدن از بحث، به جای پاسخ به عشق تاتیانا، موعظه‌ای اخلاقی می‌کند و با نقض اصل کمیت، احساسات خود را مبهم می‌گذارد؛ نتیجه، خلق طنزی ظریف است. وان لیوها نیز (2024: 220) طنز را ابزاری برای بهبود ارتباط میان فرهنگی می‌داند. طبق استنباط خوتیز به نقل از شمولویچ و نیز خسروی‌زاده و سادیه‌وندی، گوینده عامدانه اصول گرایس را می‌شکند تا معنای ضمنی طنزآمیز و حفظ وجهه خود را القا کند: Хутыз, 2019, СС. 452-453; ссылаясь на: (Шмулевич, 2013 и Khosravizadeh P., & Sadehvandi N., 2011).

۸. نتیجه‌گیری:

در پاسخ به پرسش نخست، تحلیل اشعار نشان داد که نقض هر یک از اصول همیاری گرایس در شعر روسی منجر به شکل‌گیری گونه‌های متفاوتی از تلویحات و پیش‌انگاشت‌ها می‌شود. نقض اصل کمیت با حذف یا افزودن اطلاعات باعث پیش‌انگاشت‌های ناقص یا افزوده می‌گردد که مخاطب را به تکمیل معنای ناتمام وامی‌دارد و نقض اصل کیفیت با بهره‌گیری از استعاره‌ها و تصاویر خلاف واقع، تخیل را گسترش می‌دهد. گسست از اصل ارتباط، چنان‌که در آثار پوشکین مشهود است، افق‌های معنایی غیرمنتظره می‌گشاید. نقض اصل روش نیز از طریق ابهام و چندمعنایی، فضای شاعرانه می‌آفریند. مایاکوفسکی از طریق اطناب یا ایجاز افراطی، پوشکین با استعاره‌های اغراق‌آمیز، و آخمتووا با ابهام‌سازی بر غنای شعر خویش افزوده‌است. در نتیجه، هر تخطی از اصول گرایس به منزله سازوکاری برای تولید نقشه‌ای ضمنی از معنا در سطحی فراتر از بیان صریح عمل می‌کند. در پاسخ به پرسش دوم، تلویحات حاصل از نقض اصول گرایس از راه‌های گوناگون موجب بازتولید معنا و برجسته‌سازی تجربه شاعرانه می‌شوند: نخست آنکه، مشارکت فعال خواننده در فرایند تفسیر را برمی‌انگیزند و بدین ترتیب شعر از گفتار عادی فاصله می‌گیرد. دوم، این تلویحات با ایجاد لایه‌های معنایی متعدد، احساس و اندیشه را هم‌زمان درگیر می‌سازند و تجربه‌ای زیبایی‌شناختی فراهم می‌آورند. سوم، پیش‌انگاشت‌ها و تضمین‌های ناشی از نقض اصول گرایس موجب «چندصدایی» در گفتار شاعرانه می‌شوند؛ شاعران روس با بازی زیبایی در مرز میان سکوت و بیان، معنا را بازتولید کرده و تجربه‌های ذهنی و تاریخی خود را برجسته می‌کنند. در مجموع، نقض اصول همیاری گرایس نه خللی در ارتباط شاعر و خواننده، بلکه شیوه‌ای نظاممند برای آفرینش تلویحات، تضمین‌ها و پیش‌انگاشت‌هایی است که به باززایی معنا و گسترش افق‌های تفسیری شعر روسی می‌انجامد.

پی‌نوشت‌ها:

1. Юрьева Е. В. (Yureva, Y. V.)
2. П. Г. Грайс (P. H. Grice)
3. Боц Т. С. (Bots T. S.)
4. Gottlob Frege
5. Пресуппозиция (Presupposition)
6. Павленко В. Г. (Pavlenko V. G.)
7. диктум (dictum)
8. модус (modus)

9. Модальность (modal)
10. Джордж Юл (George Yule)
11. экзистенциальная пресуппозиция (existential presupposition)
12. фактивная пресуппозиция (factive presupposition)
13. лексическая пресуппозиция (lexical presupposition)
14. структуральная пресуппозиция (structural presupposition)
15. нефактивная пресуппозиция (non-factive presupposition)
16. контрфактическая пресуппозиция (counter-factual presupposition)
17. категориальная пресуппозиция (categorical presupposition)
18. импликатура (implicature)
19. Нагорный И. А. (Nagorniy E. A.)
20. Стаменкович Полина (Stamenkovich Polina)
21. Маяковский Владимир (Mayakovsky Vladimir)
22. Во весь голос (At the top of my voice)
23. Облако в штанах (A cloud in trousers)
24. Шишкин Е. В. (Shishkin Y. V.)
25. Письмо к женщине (A letter to the Woman)
26. Ахматова Анна (Akhmatova Anna)
27. Ткачева Юлия Сергеевна (Tkacheva Yulia)
28. Пушкин А. С. (Pushkin A. S.)
29. Пророк (Prophet)
30. Реквием (Requiem)
31. Файджес Орландо (Figes Orlando)
32. Татьяна (Tatyana)
33. Онегин (Onéguine)
34. Лихуа В. (Lihua W.)
35. Разговор с товарищем Лениным (Conversation with Comrade Lenin)
36. Ленин Ильич Владимир (Lenin Ilyich Vladimir)

Funding: There is no funding support.

Authors' Contribution: The authors have written the article in a complete collaboration.

Conflict of interests: This research does not conflict with personal and/or organizational interests.

۶. منابع:

References

Piran Kashani, M., & Modarres-zadeh A. (2024). The analysis of dialogue in Persian poetry from the perspective of Grice's four principles. *Modern humanities studies in the world*, 5(2), 239-251. [In Persian]

Rahmani, H. (2022). A semantic-pragmatic analysis into the presupposition on the play *Ersieh Irani*. *Journal of Sociolinguistics*, Vol. 5, 4(20), 9-22. [In Persian]

Rashidi, M. (2021). An Analysis of Conversational Implicatures in a “Ghazal” of Hafiz based on Grice’s Inference Theory. *Literary theory and criticism*, Vol. 6, 1(11), 81-106. [In Persian]

Zabolizadeh, A., Golshahi, R., & Musavi S. N. (2012). Grice Cooperative Principle in News Stories A case study of two similar News Stories. *Communicative Research*, Vo. 19, 70(2), 61-90. [In Persian]

Safavi, K. (1403). *Language and meaning*, Tehran: Scientific Publication. [In Persian]

Alavi F., & Mohajer M. (2025). A Comparative Study of Discursive Scenography in the Prison Poems of Nasser Khosro and François Villon Based on the Theories of Dominique Maingueneau, *Critical language and literary studies*, 22(34), 125-140. [In Persian]

Mohammadi A. M., & Abdoli M. (2024). A Study of Discourse Monitoring System in two Persian and English Literary Works Based on Comparative Discourse Analysis, *Critical language and literary studies*, 21(32), 107-131. [In Persian]

Meghdari, S. S., & Ezad dost, Z. (2017). The Interpretation of a New Generation of Persian So-called Friendship Humors According to Grecian Principles of Co-operation. *Journal of linguistic and rhetorical studies*, 8(15), 191-208. [In Persian]

Yule, G. (2009). *A Look at Language (A Linguistic Survey)*, translated by Nasrin Heydari: Samt. [In Persian]

Yule, G. (2008). *Language Pragmatics*, translated by Mohammad Amoozadeh Mahdirji and Manouchehr Tavangar, Samt. [In Persian]

Figes O. (2007). *The whisperers: Private life in Stalin's Russia*: Metropolitan Books.

Khosravizadeh P., & Sadehvandi N. (2011). Some Instances of Violation and Flouting of the Maxim of Quantity by the Main Characters (Barry & Tim) in *Dinner for Schmucks*, *International Conference on Languages, Literature and Linguistics IPEDR*: IACSIT Press, Vol. 26. 122–127.

Боц Т. С. Нарушение принципа кооперации как проявление жанра «коммуникативный саботаж». (2021). *Жанры речи*, 1(29). 57-65. <https://doi.org/10.18500/2311-0740-2021-1-29-57-65/> Bots, T. S. (2021). Violation of the cooperative principle as the manifestation of “communicative sabotage” speech genre, *Speech genres*, 1(29), 57-65.

Лихуа В. (2024). Нарушение принципа кооперации Г. П. Грайса в русских юмористических видеовербальных текстах. *Мир науки, культуры и образования*. 6(109). 220-222. / Lihua, W. (2024). Violation of Grice's cooperative principle in Russian Humorous Audiovisual texts, *The world of science, culture and education*, 6(109), 220-222.

Нагорный И. А. (2008). Речевая пресуппозиция в предложениях с предположительными частицами. *Научные ведомости*. 11(58). Белгород. 26-44. / Nagorni, E.Y. (2008). The speech presupposition at the sentences with persuasive particles, *Scientific Bulletin*, 11(51), 26-33.

Ткачева Ю. С. (2021). Положительный коммуникативный эффект от нарушения постулатов Г.П. Грайса в публичном выступлении. *Филологический аспект: международный научно-практический журнал*. 2(70). Режим доступа: <https://scipress.ru/philology/articles/polozhitelnyj-kommunikativnyj-effekt-ot-narusheniya-postulatrov-gp-grajsa-v-publichnom-vystuplenii.html> (Дата обращения: 02.10.2025). / Tkacheva, Y. S. (2021). The positive communicative effect of violation of maxims of H. P. Grice in public speech P. Grice in public speech, *Philological aspect: international scientific and practical journal*, 02(70), Access mode: <https://scipress.ru/philology/articles/pozharnyj-kommunikativnyj->

effekt-ot-narusheniya-postulativ-gp-grajsa-v-publichnom-vystuplenii.html

(Accessed:

16.02.2021).

Трубаева, Е.И. (2013). К вопросу пресуппозиции в предпереводческом анализе текста. *Актуальные вопросы теории и практики перевода*: сб. науч. тр. НИУ БелГУ; отв. ред.: Т.Д. Дьяченко, О.В. Дехнич. Белгород. Вып.2. 103-105. / Trubaeva, E.I. (2013). On the issue of presupposition in pre-translation analysis of the text. *Current issues in translation theory and practice*: Coll. sc. t. of Belgorod State University; ed.: T.D. Dyachenko, O.V. Dekhnich. Belgorod. Issue 2. 103-105.

Юрьева Е. В. (2017). Пресуппозиция как средство воздействия на дестинатора рекламного сообщения (на примере русскоязычных слоганов социальной рекламы). *Вестник Донецкого национального университета. Серия Б. Гуманитарные науки*. 3. 101-107. / Yureva, Y. V. (2017). Pragmatic aspect of using presupposition in SPAS slogans, *Bulletin of Donetsk National University. Series B: Humanities*, 3. 101-107.

Павленко В. Г. (2018). Лексические пресуппозиции наречий (на материале английского языка). *Сборник результатов научных исследований «Современные исследования в сфере социальных и гуманитарных наук»*. Киров: 1208 с. 92-95. / Pavlenko, V. G. (2018). Lexical presuppositions of adverbs (based on the English language materials). *Collection of research results "Modern research in the field of social and humanitarian sciences"*. Kirov: 1208 pp. 92-95.

Стаменкович Полина, Принцип кооперации и вежливость:

<https://discours.philol.msu.ru/wp-content/uploads/2018/03/%D0%93%D0%BB%D0%BE%D1%81%D1%81%D0%B0%D1%80%D0%B8%D0%B8%CC%86-%D0%BA%D0%BE%D0%BC%D0%B5%D0%BD%D0%B4%D0%B8%D1%83%D0%BC-%D0%B2-%D1%84%D0%BE%D1%80%D0%BC%D0%B0%D1%82%D0%B5-pdf.pdf>/ дата обращения к сайту:10.2.2025 / Stamenkovich, Polina, The principle of cooperation and politeness: <https://discours.philol.msu.ru/wp-content/uploads/2018/03/%D0%93%D0%BB%D0%BE%D1%81%D1%81%D0%B0%D1%80%D0%B8%D0%B8%CC%86-%D0%BA%D0%BE%D0%BC%D0%B5%D0%BD%D0%B4%D0%B8%D1%83%D0%BC-%D0%B2-%D1%84%D0%BE%D1%80%D0%BC%D0%B0%D1%82%D0%B5-pdf.pdf>

%D0%B2-%D1%84%D0%BE%D1%80%D0%BC%D0%B0%D1%82%D0%B5-pdf.pdf/ date of access to the site: 10.2.2025.

Шишкин Е. В. (2011). Особенности диалогического единства «допрос». *Журнал Юрислингвистика*. 11. 178-182. / Shishkin, E. V. (2011). Features of the dialogical unity "interrogation". *Journal of legal linguistics*. 11. 178-182.

Шмулевич Л. И. (2013). Нарушение принципа кооперации как механизм порождения юмористического эффекта, *Вестник Ленинградского гос. ун-та им. А. С. Пушкина*, 3(1), 138-143. / Shmulevich, L. I. (2013). Violation of the cooperation principle as a mechanism for generating a humorous effect, *Bulletin of the Leningrad State University named after A. S. Pushkin*, 3(1), 138-143.

Pre-print Version